

سخن شاعرانه، قصه‌ی گفت و گویشی است ماوراء شخصی که سخن می‌گوید

شماره پرسش: ۲۱۵۵۲

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۶/۱۲/۴ ۲۱:۴۴:۵۲

متن پرسش

سلام علیکم: چند سوال در مورد جناب حافظ داشتیم: (۱) آیا تمام تمام اشعار حافظ جنبه عرفانی دارند یا اینکه اشعاری هم دارد که برای دستگاه حکومت زمان خودش سروده باشد؟ یا اینکه در مدح یا مذمت شخصی شعری گفته باشد؟ (۲) در غزل شماره ۱۱ علت آوردن اسم شهر یزد چیست؟ (۳) استاد گاهی وقتها در شرح غزلیات حافظ چیزهایی را می‌گویید و توضیح می‌دهید که آدم احساس می‌کند اینها را خودتان اضافه می‌کنید و اصلاً نمی‌شود این چیزی را که شما گفته‌اید از شعر برداشت کرد، هر چند کلیت برداشتتان از شعر درست است ولی توضیحات اضافی را نمی‌شود از شعر برداشت کرد به عنوان مثال (هر چند مثالها زیاد هستند): در بیت: دور دار از خاک و خون دامن چو بر ما بگذری. شما می‌آیید از منیت و انانیت صحبت می‌کنید. البته این بیت خیلی آن چیزی را که مدنظرم بود نرساند. ابیاتی هستند که در شرحشان چیزهای عجیبی (البته در نظر من) می‌گویید. خواهش می‌کنم توضیح بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- قصه‌ی سخن شاعرانه، قصه‌ی گفت و گویشی است ماوراء شخصی که سخن می‌گوید بلکه آن ندای تاریخی است که شاعر را در بر می‌گیرد و از طریق او می‌گوید، به همان معنایی که حافظ می‌فرماید: «در پس آینه طوطی صفتم داشته‌اند — هر چه استاد ازل گفت بگو می‌گویم» روحی است که جناب حافظ را فراگرفته و او اظهار کننده‌ی گویش آن روح است لذا هر چه می‌گوید اشاراتی است ماوراء روزمرگی‌ها و این که بخواهد مدحی بگوید یا شخصی را به میان آورد. همه‌ی آن شخصیت‌ها در غزلیات او نماد یک معنا است و اگر این موضوع در حافظ فهم نشود نمی‌توانیم به حافظ رجوع کرده‌باشیم به همان معنایی که در مرتبه‌ی بالاتر ما وحی را در کلمات قدسی قرآن می‌یابیم. ۲- در مورد یزد به نظر من همان چیزی که در غزل شماره ۱۱ عرض شد حرف حافظ باشد. موفق باشید